



این ساختار از مدرسه ها و دانشکده ها و آموزشگاه های سینمایی گرفته تا رأس مدیریت و نهادهای مدیریتی، نمایش تراژدی، یأس و شکست را برتر از حماسه و فتح و پیروزی می پندارند. گویی شعار مدیران و هنرمندان ما این است که «هر چه مأیوس تر، هنرمندتر!»

پرداختن به این سوژه در سینما داشته اند؟

پاسخ این سوال را می توان ساختار پدید آمده در ۲۵ سال اخیر دانست. به این ترتیب که این ساختار از مدرسه ها و دانشکده ها و آموزشگاه های سینمایی گرفته تا رأس مدیریت و نهادهای مدیریتی، نمایش تراژدی، یأس و شکست را برتر از حماسه و فتح و پیروزی می پندارند. گویی شعار مدیران و هنرمندان ما این است که «هر چه مأیوس تر، هنرمندتر!»

مصادق تقدس یأس در سینمای غالب در ایران این است که خالقان آثار حتی وقتی سراغ قهرمانان ورزشی هم می روند، بیشتر به ادبار و شکست میل دارند تا موفقیت!

محدود شدن به چند ژانر کلیشه ای و فراموش شدن ژانرهای پرمخاطبی چون فیلم های زندگینامه ای از دیگر عوامل این وضعیت است! آسیب شناسی این مسئله نیازمند بحث مفصلی است، اما به طور خلاصه می توان گفت که نظام تولید و اکران داخلی و دخالت جشنواره های خارجی، فیلمسازان را به این سمت هل داده است که برای آسودگی و شهرت و ثروت، یا فیلم های کمدی نازل و پیش پا افتاده تولید کنند و یا ملودرام های شبه اجتماعی و ناتورالیستی! به طور طبیعی در چنین زمینه ای فیلمسازها کمتر علاقه به تولید آثاری درباره افتخارات علمی، زندگی دانشمندان و حتی آسیب شناسی فضای علمی و صنعتی پیدا می کنند.

ضعف ادبیات داستانی با محوریت علم و نبود سنت اقتباس ادبی در سینمای ایران نیز از دیگر علت های کم کاری برای این موضوع است. در کشورهای صاحب صنعت سینما ارتباط نزدیکی بین سینما و ادبیات داستانی وجود دارد و هر سال، بخش قابل توجهی از مهم ترین تولیدات سینمایی در این کشورها، حاصل



برداشت از رمان هاست. همچنان که خیلی از فیلم های مهم علمی و صنعتی، اقتباس از روی داستان هاست. اما در ایران، از یک طرف ضعف خلق داستان و رمان درباره محیط های دانش بنیان و نخبگان علمی و از طرف دیگر کم رنگ بودن گرایش به اقتباس از روی کتاب های تولید شده درباره این سوژه، منتج به کمبود فیلم با موضوعات علم و عالمان شده است.

**مروری بر چند فیلم و سریال**

طی چهار دهه اخیر، آثار تولید شده با موضوعاتی چون فناوری و اختراعات و ابداعات، معدود بوده است که همان اندک هم بیشتر کار تلویزیونی بوده است و در سینما به ندرت فیلمی با چنین موضوعاتی ساخته شده است.

«چ» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا یکی از این نمونه های انگشت شمار است که به مقطعی کوتاه از زندگی شهید دکتر مصطفی چمران پرداخته است. هر چند که فیلم «چ» یک فیلم دفاع مقدسی است و بخشی از مجاهدت های شهید چمران در نجات مردم کردستان از گروهک های تروریستی را نمایش می دهد، اما در طول فیلم اشاراتی هم به خدمات و بعد علمی این شهید هم می شود. مثلا در بخشی از فیلم از زبان سرکرده تروریست ها بیان می شود که چمران یک شخصیت علمی

